روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۳ • ۲۴ رجب ۱۴۴۶ • ۲۵ ژانویه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۳۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۹

راهداران با وظایفی چون پاکسازی جاده‌ها، تعمیر مسیرها، نصب علائم، برف‌روبی و بازگشایی راه‌های مسدود، ایمنی و آسایش سفرهای جاده‌ای را تأمین می‌کنند. راهدارخانه‌ها به عنوان پایگاه‌های امدادی در سراسر کشور مستقرند و باید حداکثر ۴۰ دقیقه با نزدیک‌ترین جاده فاصله داشته باشند. عکس: احسان محبی‌پور، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

هوش انسانی زیر ذره‌بین فناوری

قادرباستانی‌تبریزی

بی‌بی‌سی دستورالعمل‌های جدید و جنجالی خود برای استفاده خبرنگارانش از هوش مصنوعی را منتشر کرده است؛ دستورالعمل‌هایی که هم نویددهنده آینده‌ای نوآورانه در عرصه رسانه و هم زنگ خطری برای مواجهه با چالش‌های اخلاقی و حرفه‌ای این فناوری نوظهور است. این اقدام بی‌بی‌سی نشان‌دهنده رویکردی آینده‌نگرانه در مواجهه با تحولات فناوری است و لابد می‌تواند الگویی برای سایر رسانه‌ها باشد.

درحالی‌که هوش مصنوعی با سرعتی سرسام‌آور درحال تسخیر دنیای محتواست، بی‌بی‌سی تصمیم گرفته به‌جای واگذاری کامل امور به ربات‌ها، انسان‌ها را همچنان پشت فرمان نگه دارد. این خط‌مشی، ضمن تأکید بر شفافیت و نظارت انسانی، مسیر حرکت رسانه‌ای مسئولانه و دقیق را ترسیم می‌کند؛ مسیری که قرار است در آن، ربات‌ها نوکران وفادار و نه اربابان خودسر باشند. بی‌بی‌سی با این حرکت، اعلام کرده فناوری هوش مصنوعی به‌جای جایگزینی خلاقیت انسانی، باید به تقویت آن کمک کند. حالا باید دید این رسانه کهنه‌کار چگونه می‌تواند میان نوآوری‌های فناورانه و ارزش‌های سنتی رسانه‌ای خود، تعادل برقرار کند و آیا این رویکرد الگویی برای دیگر رسانه‌ها خواهد شد یا فقط یک شعار پُرطمطراق باقی می‌ماند.

در رسانه‌های کشورمان، برخی روزنامه‌نگاران و تولیدکنندگان محتوا، کم‌وبیش از هوش مصنوعی بهره می‌برند، اما هنوز هیچ سازمان رسانه‌ای، چارچوب و مقرراتی برای آن اعلام نکرده است. این فقدان مقررات مشخص، می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های احتمالی و کاهش اعتماد عمومی به رسانه‌ها شود. به نظر می‌رسد مانند کاری که بی‌بی‌سی انجام داده است، رسانه‌های ما نیز باید به تدوین دستورالعمل‌ها و چارچوب‌های قانونی برای استفاده از هوش مصنوعی بپردازند. در این میان، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز می‌تواند به عنوان یک نهاد تخصصی و مرجع حرفه‌ای، به تنظیم این مقررات کمک کند و فضایی برای تبادل نظر و ارائه راهکارهای کاربردی فراهم کند. تدوین چنین دستورالعمل‌هایی نه‌تنها به استفاده مؤثرتر از فناوری هوش مصنوعی کمک می‌کند، بلکه باعث ارتقای استانداردهای حرفه‌ای و حفظ ارزش‌های اخلاقی در رسانه‌ها می‌شود.

هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار قدرتمند، توان آن را دارد که به روزنامه‌نگاران در تولید محتوای بهتر، سریع‌تر و مبتنی‌بر داده کمک کند. این فناوری قابلیت تحلیل داده‌های کلان، ارائه گزارش‌های دقیق و حتی کشف الگوهای پنهان در اطلاعات را فراهم می‌آورد. بااین‌حال، برای بهره‌برداری مؤثر از این فناوری، باید به چالش‌های آن نیز توجه کرد و راهکارهای مناسب برای مقابله با آنها ارائه داد. آموزش مداوم، بازبینی منظم فرایندها و تدوین سیاست‌های اخلاقی از جمله اقداماتی هستند که به شکل‌گیری اعتماد عمومی و حفظ کیفیت روزنامه‌نگاری می‌انجامد.

دستورالعمل بی‌بی‌سی با درک اهمیت و قدرت فناوری هوش مصنوعی در خلق فرصت‌های نوآورانه، تأکید دارد که استفاده از این فناوری نباید اعتماد مخاطبان را خدشه‌دار کند. هوش مصنوعی باید شفاف، پاسخ‌گو و تحت نظارت انسانی باشد، به‌گونه‌ای که حتی اگر ربات‌ها روزی به فکر شورش افتادند، ما همچنان کنترل اوضاع را در دست داشته باشیم. ارزش‌های ویرایشی مانند دقت، بی‌طرفی، انصاف و حفظ حریم خصوصی نیز باید به‌شدت رعایت شود تا هوش مصنوعی از مسیر اخلاقی منحرف نشود.

طبق دستورالعمل، هرگونه استفاده از هوش مصنوعی باید پیش از اجرا، از نظر تناسب با کار، توسط متخصصان و تیم‌های ویرایشی بی‌بی‌سی بررسی شود. همچنین فرایندهای مبتنی‌بر هوش مصنوعی باید تحت نظارت و تأیید فعال انسانی باشند و استفاده از آنها به مخاطبان اطلاع داده شود. مدیران ارشد ویرایشی نیز باید مسئولیت نهایی نظارت بر عملکرد هوش مصنوعی را برعهده بگیرند.

بااین‌حال، چالش‌هایی مانند تعصب الگوریتمی، دقت محتوایی و مسائل حقوق مالکیت فکری، ضرورت نظارت دقیق‌تر را برجسته می‌کند. کسی دوست ندارد صبح از خواب بیدار شود و ببیند ربات‌ها مطالبی با اطلاعات نادرست منتشر کرده‌اند. به همین دلیل استفاده از هوش مصنوعی در تولید مستقیم محتوای خبری، به‌جز موارد خاص مانند گرافیک، محدود شده است و مقرر شده هرگونه دستکاری در تصاویر و ویدئوها به طور شفاف اطلاع‌رسانی شود. همچنین ابزارهای هوش مصنوعی در تحلیل داده و مدیریت توزیع محتوا، باید با اصول بی‌طرفی و دقت هم‌خوانی داشته باشند. همکاران خبری بین‌المللی بی‌بی‌سی هم ملزم هستند از انطباق فعالیت‌های خود با این دستورالعمل‌ها اطمینان حاصل کنند.

بی‌بی‌سی برای تقویت مسئولیت‌پذیری، یک گروه مشاوره ریسک هوش مصنوعی ایجاد کرده که متخصصان حقوقی، حفاظت از داده و امنیت اطلاعات را گردهم آورد تا راهنمایی‌های لازم را ارائه دهند. درعین‌حال، قرار شده دستورالعمل‌ها به طور مداوم به‌روزرسانی شود تا با پیشرفت‌های سریع فناوری هماهنگ باشند. این چارچوب، تعهد بی‌بی‌سی به حفظ اعتماد مخاطبان، رعایت اصول اخلاقی و پیشبرد نوآوری را نشان می‌دهد. بی‌بی‌سی امیدوار است هوش مصنوعی نه به عنوان جایگزین انسان‌ها، بلکه به عنوان دستیار باهوشی عمل کند که هرگز اضافه‌کاری طلب نمی‌کند.

سخن آخر اینکه رسانه‌های ما به طور مستمر با پیشرفت‌های فناورانه همگام شوند و درعین‌حال، اصول بنیادین روزنامه‌نگاری از جمله صداقت، شفافیت و دقت را حفظ کنند. در این مسیر، توجه به آموزش و توانمندسازی روزنامه‌نگاران برای کار با ابزارهای هوش مصنوعی، نقشی اساسی در تضمین موفقیت این تحول ایفا خواهد کرد. به این ترتیب، فناوری‌های نوین نه‌تنها به بهبود عملکرد رسانه‌ها کمک می‌کند، بلکه به عنوان ابزاری توانمندساز، زمینه را برای ارتقای سطح آگاهی و مشارکت عمومی فراهم می‌کند.

یادداشت

آقای رئیس‌جمهور برای ما بگویید...

وحیداحمدی‌آرا

درست در روزی که رئیس‌جمهور بیل به دست گرفته بود و ملات بر آجر می‌ریخت، در شهر من، مردی با بیل جوان سوپرمارکتی محل را کشت.

درگیری فکری همه فعالان رسانه‌ای و خبری بر سر این بود که ضارب یا قاتل بیل‌به‌دست از مهاجران افغان است و جهت اخبار درگیر این حاشیه شد؛ هرچند حاشیه‌ای که متن بسیاری از اتفاق‌ها و رویدادهای گذشته و آینده این کشور است، اما جز اندکی، کسی به این نپرداخت که بر ما چه رفته که این‌گونه با بیل به هم می‌تازیم؟ کسی نپرسید که مقتول از چه عصبانی بوده و ضارب به کجای جنون رسیده که بیل بر سر هم‌نوع خود می‌کوبد؟ اینکه آن کوچه ماه‌هاست کنده‌کاری شده و شهرداری علی‌رغم پیگیری مکرر اهالی محل، اقدامی برای آسفالت یا حتی بهسازی مسیر برای شهروندان نکرده، یک درد است و اینکه این حجم از عصبیت منجر به جنون از کجا سرچشمه گرفته، بحثی عمیق‌تر و وسیع‌تر.

از شمال برگردیم به جنوب، تصاویر را با هم مرور کنیم. خواه‌ناخواه، منصفانه یا غیرمنصفانه، اکت رئیس‌جمهور، با هر انگیزه‌ای، اقدامی پوپولیستی برشمرده می‌شود. اینکه چرا رئیس‌جمهور در آن هنگام به‌جای اینکه بیل به دست بگیرد و ملات بر آجر بریزد دغدغه این را نداشت که در قرن موشک و قاره‌پیما، در سال‌های آسمان‌خراش و برج، چرا همچنان سیمان و ماسه به رسم ۵۰ سال پیش با فرغون حمل می‌شود و چرا همچنان با نخ، شاقول می‌بندند و هزاران چرای فنی دیگر.

اینکه صنعت ساختمان به عنوان یکی از اساسی‌ترین منابع گردش مالی و اشتغال‌زایی کشور، در کجای معادلات اقتصادی کشور قرار دارد و مشکلات این صنعت چیست و رئیس‌جمهور به‌جای بیل به دست گرفتن و قدرت‌نمایی بدنی خود، آیا همین زمان را برای حل مسائل شاغلان این صنعت به کار می‌بست بهتر نبود؟ اینکه برای برای کارگری که بیل را به دست می‌گیرد چه کرده‌ایم و چه برنامه‌ای داریم؟ آیا به فکر خروج او و خانواده‌اش از اعماق خط فقر هستیم یا نه؟ اینکه برای بیمه بی‌کاری و درمانی او اندیشیده‌ایم یا خیر؟

اینکه آیا فردا کارگر افغانی با دستمزد پایین‌تر جای او را بگیرد یا نه؟

اینکه فرزندش کار دارد؟ دخترش جهاز دارد؟ همسرش امنیت روانی و اجتماعی دارد؟ اینکه نوه‌اش فیلترشکن دارد؟ هزاران سؤال بی‌پاسخی که کاش همه مدیران اجرائی به‌جای رفتارهای نمایشی به پاسخ آنها اندیشه می‌کردند.

این‌قدر بدون امید و بی‌انگیزه‌ایم که حتی حوصله این نیست که بشماریم چند روز و چند ماه از بر کرسی نشستن رئیس‌جمهور گذشته، اما بی‌شک آن‌قدر گذشته که به ما اجازه بدهد تحقق وعده‌ها که هیچ، حرکت به سمت تحقق وعده‌ها را بررسی کنیم. از میان وعده‌های رئیس‌جمهور شاید توقف طرح حجاب، که شاید آن هم موقتی باشد، تنها وعده عینی، ملموس و اجتماعی است که در نگاه عامه مردم کمی تا قسمتی محقق شده.

در بحث رفع فیلترینگ، پرهزینه‌ترین و کارآفرین‌ترین پلتفرم، اینستاگرام، همچنان فیلتر است و همچنان مافیای فیلترشکن‌فروش می‌تواند کاسبی پررونق خود را ادامه دهد و درآمد مخابرات نیز با فروش دوبرابری حجم اینترنت خود همچنان صعودی باقی می‌ماند.

همچنان میلیون‌ها شاغل و کاسب آنلاین کرکره دکانشان در اینستاگرام نیمه‌باز است و درباره اصلی‌ترین دغدغه مردم، یعنی مشکلات معیشتی و تورم، نه‌تنها گشایش محسوسی رخ نداده، بلکه به نظر می‌رسد روزبه‌روز مشکلات اقتصادی مردم بیشتر و بیشتر می‌شود و در بسیاری موارد، مسائل اقتصادی حادتر و غم‌انگیزتر نیز شده است.

آقای رئیس‌جمهور، از مشاوران اجتماعی و مردم‌شناسی خود بپرس چه می‌شود که آستانه تحمل آدم‌های این سرزمین این‌قدر پایین آمده که با بیل به جان هم می‌افتند؟ چه می‌شود که آمار درگیری، نزاع و خشونت این‌گونه بی‌پروا و بی‌ترمز رو به افزایش است؟ یک جامعه به کجا رسیده که دردمندانش حتی نا و نفس ناله‌کردن نیز ندارند و چه می‌شود که منتقدان و فعالان دلسوز هم دیگر ترجیح داده‌اند سخن نگویند، ننویسند و حتی توییت نزنند و استوری نگذارند؟

۳۳ هزار کیلومتر

اخترشناسان از جو سیاره بیگانه کشف جدیدی انجام داده‌اند. طبق این کشف، بادهایی با سرعت ۳۳ هزار کیلومتر بر ساعت رکورد کیهان را شکسته است. در جو بالایی زمین، بادهای قوی و متمرکزی به نام «رودباد» (یا جت‌استریم) با سرعتی بیش از ۴۴۲ کیلومتر در ساعت می‌وزند. این بادها هرچند بسیار سریع هستند، اما قوی‌ترین بادهای موجود در منظومه شمسی نیستند. اخترشناسان دریافته‌اند این بادها در استوای سیاره فراخورشیدی غول‌پیکر WASP-127b به این سرعت می‌رسد. سرعت باد در لحظاتی ۹ کیلومتر در ثانیه است که تقریبا شش برابر سرعت چرخش این سیاره است و وجود بخار آب و مولکول‌های دی‌اکسید کربن را در جو این سیاره تأیید کرده‌اند.

۱ میلیون دلار

یک میلیون دلار پاداش برای کسی که بتواند خط کتیبه‌های هندی پنج‌هزارو ۳۰۰ ساله را رمزگشایی کند، تعیین شده است. «ام.ک استالین»، وزیر ارشد ایالت تامیل‌نادو، پس از انتشار نتایج یک پژوهش که نشان می‌داد شباهت‌هایی میان نوشته‌های تمدن دره سند و کتیبه‌های یافت‌شده وجود دارد، این جایزه را اعلام کرد. تمدن دره سند با نام تمدن هاراپان نیز شناخته می‌شود. این کتیبه‌ها که از نشانه‌ها و نمادها تشکیل شده‌اند، حدود چهار هزار نوشته کوتاه هستند که بیشتر آنها روی اشیای کوچکی مانند مهر و سفال حک شده‌اند. رمزگشایی از این نوشتار به پژوهشگران امکان می‌دهد تا اطلاعات بیشتری درباره نظام حکمرانی و باورهای تمدن دره سند به دست آورند.

۵ هزار

شرکت متا به اینفلوئنسرهای محبوب که از «اپلیکیشن‌های اجتماعی دیگر» برای نخستین بار به این دو پلتفرم اینستاگرام و فیس‌بوک بپیوندد، حداکثر پنج هزار دلار پاداش می‌دهد. این پاداش با توجه به ارزیابی متا از میزان «حضور اجتماعی» آنها خواهد بود. البته در اطلاعیه نامی از تیک‌تاک برده نشده، اما با توجه به زمان‌بندی انتشار این فراخوان به نظر می‌رسد متا در تلاش است از شرایط نامشخص درباره آینده فعالیت تیک‌تاک در آمریکا، تا حد ممکن به‌نفع خود بهره‌برداری کند. این پاداش تیک‌تاکرها پیش‌شرط دارد و آنها باید در ۹۰ روز نخست پیوستن به اینستاگرم یا فیس‌بوک، به شکل منظم پست شامل ویدئو و ریلز جدید بگذارند.

شبکه خوانی

رسوایی در پاریس

چندین ماه از پایان المپیک پاریس می‌گذرد اما اعتراضاتی که از همان روزها آغاز شد، حالا جدی‌تر شده است. مدال‌های المپیک پاریس که برای ورزشکاران نماد دستاوردهای بزرگ ورزشی هستند، به چالشی غیرمنتظره برای برگزارکنندگان تبدیل شده‌اند.

بیش از ۱۰۰ ورزشکار به کمیته بین‌المللی المپیک اعلام کرده‌اند مدال‌هایی که دریافت کرده‌اند دیگر شبیه به آنچه تابستان گذشته در مراسم اهدای جوایز به آنها داده شد نیست. البته قرار شده است این مدال‌ها طی سه ماه آینده عوض شوند. کمیته بین‌المللی المپیک با انتشار بیانیه‌ای ضمن عذرخواهی، اعلام کرده است تمام مدال‌های معیوب توسط ضراب‌خانه پاریس تعویض خواهند شد. این مدال‌ها با همان حکاکی‌های اصلی دوباره تولید می‌شوند و فرایند تعویض آنها به‌زودی آغاز خواهد شد.

مشکل از چه زمانی آغاز شد؟

این مدال‌ها نشانه‌هایی از خردشدن، لکه‌دارشدن و فرسایش سطحی دارند. مدال‌های المپیک ۲۰۲۴ در مقایسه با مدال‌های المپیک توکیو، حالتی فرسوده‌تر پیدا کرده‌اند. برخی ورزشکاران حتی به شوخی گفته‌اند مدال‌هایشان بیشتر شبیه آثار تاریخی المپیک ۱۹۲۴ پاریس است، زمانی که این شهر آخرین بار میزبان بازی‌ها بود. برخی آن را با پوست تمساح مقایسه کردند. براساس گزارش یک رسانه تحقیقی فرانسوی، این مدال‌ها به دلیل استفاده از یک لایه محافظ معیوب، فرسوده شده‌اند. این لایه جایگزین ماده‌ای شده است که حاوی کروم تری‌اکسید بود؛ ماده‌ای با خاصیت اکسیدکنندگی بالا که سرطان‌زا شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد بیشتر مدال‌های آسیب‌دیده برنز هستند.

برخی ورزشکاران پیش از خروج از پاریس از خراب‌شدن سریع مدال‌های خود گلایه کرده بودند. یک ورزشکار دیگر گفت مدالش کمتر از یک هفته پس از دریافت آن شروع به خراب‌شدن کرد. یکی از ورزشکاران فیلمی در شبکه‌های اجتماعی گذاشت و نوشت مدالش پس از تماس با پوست و عرق، به‌سرعت درخشش خود را از دست داد. او درباره مدالش گفت: «به نظر می‌رسد در جنگ بوده است. حتی قسمت جلویی که قطعه کوچکی از برج ایفل در آن تعبیه شده نیز آسیب دیده است».

یاسمین هارپر، غواصی که اولین بریتانیایی بود که در بازی‌ها روی سکو رفت، گفت مدال برنز او «کمی لکه‌دار» و «محو» شده است. حالا تعداد این ورزشکاران از صد نفر گذشته است و نشان می‌دهد کیفیت مدال‌ها بسیار پایین‌تر از آن چیزی است که از رویدادی مانند المپیک انتظار می‌رود؛ مسابقه‌ای که ورزشکاران برای حضور در آن حداقل چهار سال تلاش کرده‌اند.

چه کسی مقصر است؟

مدال‌های المپیک ۲۰۲۴ که طراحی آنها توسط برند فرانسوی «Chaumet» از زیرمجموعه‌های گروه «ال‌وی‌ام‌اچ» (شرکت مادر لوئی‌ویتون و کریستین دیور) انجام شده، حاوی قطعات آهنی از برج ایفل هستند. روی این مدال‌ها نیز تصویر نایک، الهه یونانی پیروزی، حک شده است. در ابتدا انتقادها به سوی شرکت «Chaumet» معطوف بود اما این شرکت اعلام کرد مسئولیت تولید مدال‌ها برعهده این گروه نبوده و مشکلات پیش‌آمده ارتباطی به طراحی آنها ندارد. حالا انتقادها متوجه ضراب‌خانه پاریس، تولیدکننده این مدال‌ها شده است. ضراب‌خانه پاریس اما ابتدا به کلمه معیوب اعتراض کرده اما پذیرفته این مدال‌ها «آسیب‌دیده» هستند.

در بیانیه ضراب‌خانه پاریس آمده است این نهاد از زمان دریافت نخستین درخواست‌های تعویض در تابستان، موضوع مدال‌های آسیب‌دیده را جدی گرفته و تیم‌های داخلی خود را برای رسیدگی به این مشکل بسیج کرده و قرار است روند تعویض مدال‌ها به‌زودی آغاز شود. در این میان کمیته المپیک از انتقادها در امان نمانده است. با ادامه انتقادها و طنزهای رسانه‌ای، این کمیته تلاش می‌کند بیشتر از این وجهه عمومی بازی‌های المپیک پاریس مخدوش نشود.

سازوسفر

سریلانکا بته‌جقه سبز اقیانوس

حامدالماسی

یه کشور جمع‌وجور، زیبا، پر از مزارع چای و جنگل‌های انبوه و پستی و بلندی‌های خوشحال. کشوری کوچیک پایین کشور پهناور هندوستان، رو نقشه از دور به شکل تخم‌مرغ. نزدیک‌تر اما به شکل بته‌جقه.

همه‌جاش تقریبا خطوط ریلی کشیده شده و دسترسی و دیدن از این کشور کم‌نظیر رو آسون می‌کنه. کولومبو، پایتخت کشور، شهری بندری در غرب کشور، اولین نقطه اتصالم با کشوری جدید.

گفتم کم‌نظیر چون توش پر از میوه‌های عجیب‌وغریب و خوراکی‌های متنوع و جذابه. یکی از شگفتی‌هاش اینه که از معدود کشورهاییه که توش غلاف وانیل به بار می‌نشینه، در شهر مرکزیش، کندی. اسم پیشین کشور سیلان بوده و اصلا از اول به چای معروف بوده. بازارهاش هم تا دلتون بخواد انواع چای عطری و طعم‌دار پیدا می‌شه خوشمزه و باکیفیت. از چای لیمویی و جاسمین بگیر تا نعنایی و وانیلی و پرتغالی. پنج صبح به کولومبو رسیدم. تا هشت صبح از زندگی و جنب‌وجوش خبری نبود. از کوچه‌ها و نیمچه کوچه‌ها گذر و دیدن می‌کردم تا زندگی از خواب بیدار بشه و صبحونه‌ای بخورم، معاشرتی بکنم، آدم جدیدهای زندگیم رو ببینم و بشناسم. مهرورزی و مردم‌شناسی و استفاده از زندگی کوتاه هدیه‌وار.

در یک نیمچه کوچه شیب‌دار که عرضش به زحمت به یک متر می‌رسید، محو بی‌نظمی جذاب کوچه بودم که خاص شهرهای شلوغ آسیای شرقیه. یهو صدایی گفت hello و سلامش رو با همون کلمه جواب دادم. هرگز ندیدم کی بود. خلوت بود و کثیف اما تازه‌ها همیشه هیجان‌انگیز هستند.

در همین گذر و گذارها سر از مسجدی سرخ‌رنگ درآوردم. بگم که اون سفر پارسالم به سریلانکا و عمان و هند کلا با دو تا ساز رفته بودم، یه دف و یه تنبور. با مقدار اندکی لباس و لوازم ضروری داخل جلد دف. سرجمع شاید وسایلم چهار کیلو می‌شد؛ بنابراین پیاده‌روی‌های طولانی میسر و راحت بود.

مسجد، مسجدی بود عظیم و زیبا و از قضا مکانی تمیزتر نسبت به دیگر جاهای شهر. بنایی قرمزرنگ که بعدتر فهمیدم اسمش هم همینه، مسجد سرخ؛ با معماری بسیار قشنگ و چشم‌نواز. بعد از دیدن مسجد و چاق‌سلامتی با چند مسلمان ذوق‌زده، به مسیر و کنکاش تو دنیای سفر و قدم‌زدن بی‌هدف ادامه دادم. بی‌هدف نقطه‌ای، وگرنه که مسیر مقصود بود و خود هدف! هنوز اما جایی برای صبحونه پیدا نکرده بودم. یه گوشه گیر آوردم و به خوراکی‌های داخل وسایلم رجوع کردم. چندتا سیب‌زمینی و دوتا تخم‌مرغ آب‌پز داشتم که شام دیشبم بود و نخورده بودم. همون رو خوردم و کافی و بجا هم بود. با مقداری آجیل البته کافی‌تر شد. انرژی مضاعف قدم‌ها رو قوی‌تر هم می‌کرد. به ایستگاه قطار رسیدم. هنوز نمی‌دونستم تا کی کولومبو می‌مونم، اما در آنی تصمیم گرفتم شهر رو ترک کنم و به سواحل کوچیک‌تر برم. عموما خیلی شهرهای بزرگ رو دوست ندارم تو سفرهام، و الا راستش به نظرم اکثرا شبیه هم هستن و ادبیات مشترکی دارن. حالا کو تا بگردی و یه محله خاص و امضای اصلی اون شهر رو پیدا کنی!

رفتم از گیشه بلیت بگیرم اما هنوز نمی‌دونستیم کجا می‌خوام برم. سفر رو اصلا براساس برنامه‌ریزی از پیش تعیین‌شده نچیده بودم. و این سبک خیلی هم جذاب می‌شه. به سمت راست یا چپ دو مسیر قطار بود که یکی یک ساعت دیگه حرکت داشت و دیگری سه ساعت دیگه. مسیر سمت چپ رو انتخاب کردم و ساعتی بعد داخل قطاری پر از مسافر به سمت جنوب سریلانکا راهی شدم. در قطاری قدیمی دقیقا در مسیری کنار آب اقیانوس هند! بی‌حد زیبا. نیم‌ساعت بعد در ایستگاه سوم چند نفر پیاده‌شدن و جای نشستن به من هم رسید. تا نشستم از خستگی زیاد خوابم برد. سه ساعت بعد بیدار شدم و دقایقی بعد از بیداری قطار توقف کرد و من هم بدون هیچ برنامه قبلی‌ای از قطار پیاده شدم و ایستگاه، شهر کوچک ولیگاما بود. جایی دنج و آروم و با قطرات ریز بارون. هوایی مطبوع رو نفس می‌کشیدم و پس از خوابی عمیق راضی و سرخوش به قدم‌زدن و تماشا و البته جست‌وجو برای هاستلی پرداختم برای اسکانی کاملا موقت.